

پازل جهانی شدن سینمای ایران چه قطعاتی کم دارد؟

در حالی که سینمای ایران همچنان سرگرم بازی در جشنواره‌های خارجی است و بخش تجاری این سینما نیز با فیلم‌های کم‌دی طیفی نه‌چندان قابل توجه از مردم ایران را در اکران با خود همراه می‌کند، سینمای هندوستان با فیلم دانکی عنوان چهارمین فیلم پر فروش اکران جهانی را به نام خود ثبت کرده‌است؛ فیلمی که بخشی از آن تصویری بسیار نامطلوب و غیرانسانی از کشور ایران به جامعه جهانی مخابره می‌کند.

کیفیت فنی فیلم‌ها و سریال‌های ایرانی نشان می‌دهد به لحاظ قابلیت‌های تکنیکی و نیروی انسانی در نسبت با جهان فاصله‌ای وجود ندارد. در حوزه امور رایانه‌ای، طراحی صحنه، گریم، کارگردانی، موسیقی، فیلمبرداری و مباحثی از این دست، سینمای ایران حرف برای گفتن دارد، اما یک حلقه مفقوده مهم وجود دارد که مانع جهانی شدن سینمای ایران شده‌است. در این بین اما عده‌ای خوش‌خیال به استناد برخی آثار جشنواره‌پسند سینمای ایران را جهانی معرفی می‌کنند که این در نگاهی خوش‌بینانه یک خام‌اندیشی بیش نیست، اما حقیقت ماجرا این است که سینمای ایران به طور بالقوه می‌تواند جهانی باشد، اما مدیریت سینمایی هنوز نتوانسته این توان و ظرفیت را باانفعال نماید. این مهم نیاز به چند گام اساسی دارد که ایداً دشوار هم نیست. پازل جهانی شدن سینمای ایران به همت نیروی انسانی متخصص چیده شده‌است، اما چند قطعه از این پازل از چشم مدیران سینمایی پنهان مانده‌است. این قطعات برای تکمیل نیاز به مدیرانی تیزهوش دارد. سینمای ایران بیشتر از همه از نبود یک نظام تهیه‌کنندگی قوی رنج می‌برد که بتواند شاخه‌های اصلی برای یک اثر جهانی را تشخیص بدهد. شاخصه‌هایی که اولین مورد آن متن و فیلمنامه است، ما امروز در کشور شاهد درخشش نسل نوبی از فیلمنامه‌نویسان هستیم که با آثار شان خود را ثابت کرده‌اند، اما اینکه چرا سالانه شاهد حتی یک فیلم سینمایی نیستیم که بتواند گیشه‌های جهان را درنوردد به این برمی‌گردد که مدیران سینمایی درک دقیقی از قطعات پنهان پازل جهانی شدن ندارند.

کسی قرار نیست به این سؤال پاسخ دهد که هالیوود چه چیزی دارد که می‌تواند برخی آثار خود را در لیست پر فروش‌های جهانی بنشانند. حقیقت ماجرا این است که این سینما رگ خواب مخاطب در موضوع سرگرم‌کنندگی را در دست دارد. عنصری که بیش از همه به متن و فیلمنامه برمی‌گردد. آیا سینمای ایران فاقد نیروی انسانی ماهر و متبحر در زمینه فیلمنامه‌نویسی است؟ پاسخ قطعاً منفی است. آثار نمایشی شاخص یک دهه اخیر در تلویزیون و شبکه نمایش خانگی به وضوح نشان می‌دهند نیروی انسانی فیلمنامه‌نویس در ایران متخصص و متبحر هستند، اما دست‌کی که باید این ظرفیت را بشناسد و به کار گیرد، هنوز ازاده‌ای از خود نشان نداده‌است.

هم‌زمان با آیین گرامیداشت میلاد حضرت فاطمه(س)



کتابخانه و موزه ملی ملک از بانوان واقف و خادم فرهنگ ایرانی – اسلامی، هم‌زمان با برپایی آیین گرامیداشت میلاد حضرت فاطمه(سلام‌الله‌علیها) تجلیل کرد. در این آیین بزرگ‌ترین موقوفه فرهنگی ایران از خدمات و کوشش‌های فرهنگ‌دوستانه و معرفی‌میراث تمدن ایرانی-اسلامی تجلیل دکتر سوسن اصیلی (پیشکسوت کتابداری و نسخه‌شناس)، فرانزه قایبئی (پیشکسوت موزه‌داری)، دکتر میترا اعتضادی (پیشکسوت مرمت آثار تاریخی) و زنده‌یاد ایران دست‌غیب‌بهشتی (واقف آثار تاریخی) در زمینه حفظ و معرفی میراث تمدن ایرانی-اسلامی تجلیل و تقدیر کرد. امیر خوراکیان، رئیس مؤسسه کتابخانه و موزه ملی ملک در آغاز این آیین گرامیداشت با خیر مقدم به میهمانان و یادآوری اهمیت تجلیل از جایگاه ویژه کشنگران و کوشندگان راه فرهنگ در سرتوزمین، روایت کرد و محورهای تازه کتابخانه و موزه ملی ملک این مسیر گسترش فرهنگ را تشریح کرد که توسعه برنامه‌های فرهنگی برپایه آثار این گنجینه، محور ی‌ترین رویکرد این مؤسسه اعلام شد.

رونمایی از سمفونی حاج قاسم در تالار وحدت

هم‌زمان با چهارمین سالگرد شهادت سردار قاسم سلیمانی، سمفونی «حاج قاسم» در آیینی با حضور وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در تالار وحدت رونمایی شد. سمفونی سردار شهید قاسم سلیمانی با عنوان «به قدقلمت یاران» با حضور محمدمهدی اسماعیلی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، جمعی از هنرمندان و فرزندان شهید سلیمانی رونمایی شد. در این رونمایی از سمفونی حاج قاسم به رهبری نصیر حیدریان برخی از مقامات کشوری و لشکری حضور داشتند.

آهنگسازان این سمفونی میلاد آقایی و امیر حسین سمعی هستند. محمدمهدی اسماعیلی، سرشار این اثر است و سیدمحمدحسن حسینی و امیر حسین سمعی به عنوان خواننده حضور دارند. بخش اول سمفونی حاج قاسم با عنوان دفاع مقدس، بخش دوم عنوان دفاع از حرم و بخش سوم با عنوان شهادت اجرا شد. در این سمفونی قطعه «به قدقلمت یاران» با شعری از محمدمهدی سیار و به آهنگسازی میلاد آقایی و خوانندگی سید محسن حسینی در سه بخش دفاع مقدس، دفاع از حرم و شهادت در وصف حاج قاسم سلیمانی و قطعه «آتش به جای سنگ» به آهنگسازی و خوانندگی امیر حسین سمعی با شعراری از محمدمهدی سیار به اجرا در آمد. این سمفونی به واسطه حمایت بنیاد حفظ و نشر آثار شهید سپهبد قاسم سلیمانی (مکتب سلیمانی)، انجمن موسیقی ایران، بنیاد فرهنگی هنری رودکی و دفتر موسیقی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برای چهارمین سالگرد شهادت سردار شهید حاج قاسم سلیمانی تولید شده‌است.

محمدمهدی اسماعیلی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در پایان اجرای این کنسرت گفت: امیدوارم به برکت نام مقدس این بانوی گرامی و سالارز شهادت حاج قاسم سلیمانی بتوانیم از این پس شاهد تولیدات بیشتری در عرصه موسیقی باشیم.



روزنامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران مدیرعامل و مدیرمسئول: محمدجواد اخوان سر‌دبیر: غلامرضا صداییان آدرس: تهران، خیابان بیهقی کوچه شهیداکبر زجاجی (چهاردهم غربی)، پلاک ۱۲ سازمان آگهی‌ها: ۸۸۵۴۵۴۸۸ روابط عمومی: ۸۸۵۲۳۰۶۰ توزیع: مؤسسه نشرگستر امروز نوین ۹۴۲ ۸۸۷۳۰ چاپ: همشهری Public@JavanOnline.ir

| روزنامه جوان | شماره ۶۹۲۹ | پنج‌شنبه ۱۴ دی ۱۴۰۲ | ۲۱ حمادی‌السنی ۱۴۴۵ | اذان ظهر: ۱۲:۰۹ | غروب آفتاب: ۱۷:۰۴ | اذان مغرب: ۱۷:۲۴ | شب‌شمه شرعی: ۲۲:۲۴ | اذان صبح: ۵:۴۵ | طلوع آفتاب: ۷:۱۵

گفت‌وگوی «جوان» با ابراهیم اکبری دیز‌گاہ نویسنده کتاب برگزیده بخش رمان جایزه ادبی جلال

رفته بودم سر بازی اما «بیروط» را به من دادند

سر بازی ام را انجام بدهم، اما «بیروط» را به من دادند. من به تنهایی «بیروط» را نوشتم، بلکه آن مجموعه به من کمک کردند و خیلی اخلاقی نیست که بگویم این کتاب را من خودم نوشتم و نوشتم، اگر چه کاتیش من هستم.

سیک نوشتاری شما در رمان «بیروط» چگونه است؟

این پرسش، یک پرسش دقیق و درست است؛ بعد از اینکه یکی دو کتاب نوشتم، به این نتیجه رسیدم که سغراب‌باید خود من باشم، نه اینکه نوشته من باشد؛ منی که وجود خارجی دارم، وقتی کتاب شد همان وجود خارجی به وجود کتبی و نوشتاری تبدیل می‌شود با این نگاه «بیروط» خود منم «بیروط» چیزی خارج از من نیست. معتقدم اساساً نوشته زمانی نوشته می‌شود که آن اتحاد کاتب و مکتوب اتفاق بیفتد، وقتی اصطلاحاً در مورد اثری گفته می‌شود که سغراب‌باید، یعنی نویسنده‌اش با جان خودش اثر اثر را نوشته‌است. فرم این رمان فرم سفرنامه است، البته این بدان معنی نیست که «بیروط» سفرنامه است چون وقتی من اینگونه حرفی می‌زنم، برخی چنین گمانی می‌کنند، مانند حرفی که در مورد کتاب «حلوطنی و تاول» من زدمی‌شود و آن را به عنوان سفرنامه اربعمئی معرفی می‌کنند، در حالی که آن اثر یک داستان بلند است که در زمینه آن اربعین است و دال مرکزی آن هم تشرّف به محضر امام است و همیشه هم می‌گویم که این کتاب وهیبتنامه شعیی من است. «بیروط» هم یک رماتی است که با فرم سفرنامه نوشته شده‌است.

اسم رمان شما «بیروط» است در حالی که در زبان فارسی و علی‌الاطلاق «بیروت» را که همان پایتخت کشور لبنان است یا «ت» می‌نویسند، ولی شما به جای آن از «ط» استفاده کرده‌اید و به نظر می‌رسد حتماً منظوری داشته‌ید، در این باره کمی توضیح می‌دهید؟

این سؤال من را دیوانه کرده(با خنده)؛ باور کنید از شمال کشور تا استان‌های مرکزی و جنوبی افراد مختلفی از اقوام و فامیل تا خبرنگار این سؤال را از من پرسیده‌اند؛ بیروط با ط یعنی شهری که کج شده، شهری که امام خودش را از دست داده‌است، «بیروط» یا ط بیروط پس امام موسی صدر است. شهری که امامش اجازه بدهد «بیروط» می‌شود ولی اگر امام داشته‌باشد، همان بیروت می‌ماند.

در بخشی از صحبت‌هایتان اشاره کردید که من رفته سر بازی ام را انجام بدهم، اما «بیروط» را به من دادند، این بیروتی که به شما دادند بیروط پس امام موسی صدر است یا بیروتی که امام دارد؟

در واقع می‌توانم بگویم آن بیروطی که به من دادند تعلیم بیروط است.

این تعلیم بیروط چه چیزهایی است؟

تعلیم «بیروط» این است که اولاً تو باید به خاک خودت تعلق داشته‌باشی، دومش این است که اگر ایرانی باشی، ایران‌تورا رها نخواهد کرد، سومین تعلیم این است که تو باید پدر داشته‌باشی، منظور پدر بیولوژیکی نیست و باید به دنبال آن بگردی و مثلاً بروی امام موسی صدر را به عنوان پدر پیدا کنی، البته یکی از اصلی‌ترین تعلیم رمان «بیروط» این است که شهر، مدینه و کنسور را «الدرم بلدم» در دست نمی‌شود، بلکه با محبت ساخته‌می‌شود؛ این دقیقاً عین تعلیم شهید حاج قاسم سلیمانی هم هست؛ همه اینها را به من دادند. بعد از نوشتن این رمان با شخصیت و کارهای امام موسی صدر بیشتر آشنا شدم بعد از این آشنایی عمیق‌تر بود که فهمیدم شعبه عجب ظرفیت عجیب و بالایی برای جهان می‌تواند داشته‌باشد، حتی باعث شد تا اسرانیل را درست بشناسم.

هیچ‌کسی مثل امام موسی صدر را نمی‌توانیم در تاریخ ادیان پیدا کنیم که تا این اندازه به دنبال صلح باشد، اما همین شخص در مورد اسرانیل می‌گوید: «اما اسرانیل را شر مطلق می‌دانیم؛ بدتر از اسرائیل در جهان وجود ندارد. اگر اسرائیل و شیطان با یکدیگر بجنگند، ما در کنار شیطان می‌ایستیم.» این یک حرف بسیار عجیب است که همان تعلیم «بیروط» است؛ من رفته بودم سر بازی ام را انجام بدهم که اینجا راه به من دادند به خاطر همین است که می‌گویم «بیروط» خود من هستم.

مطالعه این کتاب را به چه کسانی توصیه می‌کنید؟

هر کسی که سواد خواندن و نوشتن فارسی را دارد (با خنده).

امیر المؤمنین علی علیه السلام:

علم دو گونه است: فطری و

اکتسابی، علم اکتسابی اگر

هماهنگ با علم فطری نباشد،

سودمند نخواهد بود.

حکمت‌های نهج البلاغه



نقد کتاب

نقدی بر کتاب «موندو» نوشته محمدرضا آران‌فر

رعایت روحیه حساس نوجوان با عنصر تخیل

شهر، تحرکاتی از جانب دشمن یعنی در حال وقوع است که خیلی محسوس نیست و تنها افراد خاصی که برخی مشاغل حساس دارند، نشانه‌های آن را احساس می‌کنند، اما در بخش دوم، عملاً جنگ تحمیلی شروع شده و دیگر آن تعادل قبلی در زندگی روزمره افراد دیده نمی‌شود. آدم‌ها ناخواسته از خانواده و حتی محل زندگی خود دور و پراکنده می‌شوند و در این میان، رفتارها و حرکات شخصیت موندو که مرکزیت داستان قرار دارد، زیر ذره‌بین نویسنده قرار می‌گیرد. موندو در یک خانواده نسبتاً پر جمعیت، همراه پدر و مادر، سه خواهر و مادر بزرگ‌ها بزرگ‌شده و یکی از تبعات جنگ که آدم‌ها و حتی اعضای خانواده‌ها را از هم دور می‌کند، تأثیر بیشتری بر روحیه او می‌گذارد. وقتی اطرافیان موندو هر یک درگیر مسائل شخصی خود در بحبوحه جنگ می‌شوند، موندو به یکباره احساس تنهایی می‌کند و چون در سن حساس نوجوانی قرار دارد، ناخودآگاه به تخیل و خیالپردازی روی می‌آورد و یک شخصیت غیرانسانی، که مترسکی ساخته و پرداخته خودش است، همدم و همراه او در آن روزهای بحرانی و آشفته‌ایام جنگ می‌شود. بخشی از داستان به دلخوشی‌های موندو با این شخصیت غیرانسانی اختصاص یافته که او تقریباً در همه‌جا مترسک را همراه خود دارد. حتی زمانی که گلوله‌باران بخش‌های مختلف شهر توسط دشمن یعنی به اوچ می‌رسد و گروه‌های زیادی از ساکنان دفاع و بی‌پناه شهر چاره‌ای جز ترک خانه و کاشانه خود نمی‌بینند و اموال و دلبستگی‌های خود را در شهر رها می‌کنند و راهی مناطق امن در روستاها و روستاهای اطراف می‌شوند، موندو همواره مترسک را با خود دارد و حتی در فکر و ذهنش با مترسک به عنوان یک دوست و همراه، حرف می‌زند، هر چند این درددل و حرف‌زدن با مترسک، طبیعاً یک‌طرفه است و موندو بیشتر خودش با خودش حرف می‌زند و به‌ظاهر مخاطبش مترسک است. در بخش‌های زیادی از نیمه دوم رمان، موندو بیشتر یک مشاهده‌گر است که اغلب می‌هدف در شهر پرسه می‌زند، صدای بمباران‌ها را می‌شنود؛ گاهی خودش را به نزدیک محل بمباران شده می‌ساند و از نزدیک خرابی‌های به‌جامانده از خانه‌ها و مغازه و تأسیسات شهری و همچنین پیکر شهدا و مجروحان را می‌بیند و متأثر می‌شود، اما چاره کار را در دنیای نوجوانانه خود، به پناه بردن به تخیل می‌بیند و به مترسک پناه می‌برد و با او گاهی از صحنه‌هایی که دیده یا درباره‌شان شنیده حرف می‌زند. نویسنده کوشیده‌است با خلق یک شخصیت غیرانسانی در بطن داستان، یعنی همان مترسک و هموار کردن مسیر خیال‌پردازی برای قهرمان داستان، موندو، تا حدود زیادی از بیان مستقیم خشونت جاری در جریان جنگ بکاهد و صحنه‌های اغلب خشونت‌بار جنگ را از فیلتر عنصر خیال‌پردازی توسط قهرمان نوجوان داستان عبور دهد تا روح و روان مخاطب نوجوان رمان هم در معرض آسیب احتمالی ناشی از مواجهه مستقیم با صحنه‌های خشونت‌بار جنگ قرار نگیرد. رمان موندو از این منظر، اثر قابل توجهی است، چون رعایت کرده و خوانندگان نوجوان آفتارش را با فاصله‌گذاری تعمدی بین خشونت جنگ و روحیه حساس نوجوانان، با یک روایت خیال‌انگیز از یک موقعیت بحرانی آشنا کرده‌است. چاپ اول کتاب «موندو» نوشته محمدرضا آران‌فر در ۱۴۶ صفحه با شمارگان ۵۰۰ نسخه و قیمت ۶۵ هزار تومان از سوی انتشارات دادمی‌شود، است.

خبر

اتاق کودک و نوجوان موزه سینما راه‌اندازی شد

چیدمان جدید، هم‌زمان با ولادت حضرت فاطمه زهرا (س) راه‌اندازی شد.

این اتاق شامل عروسک‌های فیلم‌های کودک نوستالژی سینمای ایران از جمله در به درها، کلاه قرمزی و پسر خاله، گلنار، الو الو من جوجوام و مانتیورهای لمسی با قابلیت بخش‌هایی از فیلم‌های کودک و نوجوان به همراه معرفی عوامل فیلم‌ها، همچنین مانتیورهایی که در آن برای کودکان انیمیشن‌های برجسته تاریخ سینمای ایران معرفی و نمایش داده‌می‌شود، است.

در این بخش از مجموعه فرهنگی- تاریخی موزه سینما جوایز مربوط به سینمای کودک و نوجوان در دوره‌های مختلف نیز نگهداری می‌شود.



علی‌الله سلیمی

روایت یک نوجوان از زمینه‌ها و روزهای آغازین جنگ تحمیلی در یکی از شهرهای جنوبی کشورمان، خرمشهر، اگرچه برای مخاطب نوجوان امروز مانند سرور تاریخ بخش‌هایی از ایران در گذشته‌های نه‌چندان دور است، اما برای آنها که این دوره تاریخی معاصر را زیسته‌اند، یادآور خاطرات تلخ و شیرینی است که کشورمان در اواخر دهه ۶۰ خا با آن درگیر بوده‌است. اغلب نویسندگان ادبیات پایداری هنوز خاطرات و ذهنیاتی از آن دوران دارند که وقتی در قالب ادبی داستان مکتوب و منتشر می‌کنند، برای نسل جدید خوانندگان کتاب در ایران، مواجهه ادبی با تاریخ معاصر محسوب می‌شود که در کنار یادآوری رشادت‌های رزمندگان غداغه‌ها و مسال شخصی خاص خود را در زندگی دارد، اما با شنیده شدن زمزمه‌های شروع جنگ، زندگی این افراد وارد مرحله تازه‌ای می‌شود و چالش‌های اصلی داستان از این مرحله به بعد آغاز می‌شود.

کلیت‌مان به دو بخش «آتش زیر خاکستر» و «خاکستر زیر آتش» تقسیم‌شده و همان‌طور که از عناوین این بخش‌ها می‌توان حدس زد، بخش اول به روزهای قبل از شروع رسمی جنگ تحمیلی اختصاص یافته‌کنه به‌ظاهر وضعیت عادی است و آدم‌ها دارند زندگی روزمره خود را می‌گذرانند، اغلب شمارگان ۵۰۰ نسخه و قیمت ۶۵ هزار تومان از سوی انتشارات دادمی‌شود، است.



هم‌زمان با ولادت حضرت فاطمه (س) اتاق کودک و نوجوان موزه سینما راه‌اندازی شد.

اتاق کودک و نوجوان موزه سینما پس از طراحی، بازسازی و